

یادداشت

بقا در عصر بمباران اطلاعات با سلاح تفکر انتقادی

مانده‌راهب

مدرس دانشگاه و مشاور کسب‌وکار

همه ما به عنوان شهروند، نیاز به دانستن علومی به عنوان علوم مادر هستیم تا بتوانیم وظایف شهروندی خود را انجام دهیم؛ از علومی مانند ریاضیات ساده و خواندن و نوشتن گرفته تا قوانین زیست جمعی در اجتماع. امروزه با توجه به اینکه در عصر رسانه به سر می‌بریم و رسانه به شیوه مستقیم و غیرمستقیم قدرت رهبری تفکر شهروندان را دارد، لازم است دو مهارت را به عنوان مهارت و دانش مادر اضافه کنیم: اولی تفکر انتقادی و دومی سواد رسانه‌ای. اگر سه یا چهار سال پیش از سواد رسانه صحبتی به میان می‌آمد، منظور اصلی سواد استفاده از رسانه بوده است. اگرچه هنوز هم این چالش وجود دارد ولی بری کمتر کسی پوشیده است که ماجرا بسیار فراتر از این موضوع است. در این مقاله قصد دارم ابتدا ضرورت تفکر انتقادی در عصر رسانه را بررسی کنم و پس از آن به بررسی راه‌حل‌های کاربردی برای اجرایی کردن این مهارت در برخورد با رسانه بپردازم.

چرا به تفکر انتقادی نیازمندیم؟

۱. چه بخواهیم چه نخواهیم، دائم در معرض بمباران رسانه‌ها هستیم؛ از یلیبوردر تبلیغاتی درون‌شهری گرفته، تا محتوایی که از منابع معتبر و غیرمعتبر از طریق تلفن همراه در اختیار ما قرار می‌گیرد و هر رسانه، هدفی در راستای منافع خود دنبال می‌کند. بنابراین در این هجمه اطلاعات، نیاز است مهارت تفکر انتقادی را بیش‌ازپیش در خویش تقویت کنیم تا بتوانیم به صورت فیلترشده در معرض اطلاعات قرار بگیریم.

۲. بسیاری از پیام‌های رسانه‌ای ممکن است نادرست، ناقص یا جانبدارانه باشند. تفکر انتقادی مخاطب را از پذیرش بی‌چون‌وچرا اطلاعات مصون نگه می‌دارد.

۳. رسانه‌ها برای اینکه بتوانند محتوایی را به شیوه ویروسی منتقل کنند، باید بر موج احساسات سوار شوند. تفکر انتقادی این مهارت را به مخاطب می‌دهد که وجه احساسی محتوا را ببیند و بر آن چشم پوشش تا بتواند با دید منطقی و بدون در نظر گرفتن احساسات، اطلاعات را تحلیل کند.

۴. تفکر انتقادی فرصت دیدن یک مسئله را از جنبه‌های متفاوت می‌دهد. بنابراین با تکرار و تمرین، افراد بهتر می‌توانند مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را تحلیل و درک کنند و شهروند آگاه‌تری برای جامعه باشند. حال که چرایی تفکر انتقادی در برخورد با رسانه را بررسی کردیم، به چگونگی اجرایی‌کردنش بپردازیم.

چگونه تفکر انتقادی را در سواد رسانه‌ای تقویت کنیم؟

به عنوان اولین راه‌حل، پرسیدن سؤال‌های کلیدی را توصیه می‌کنم. سوالاتی مانند:

- منبع انتشار این محتوا مستقل است یا سوگیری مشخصی دارد؟
- از چه الزمان‌هایی در محتوا استفاده شده است (بصری یا کلمات با مفاهیم خاص)؟
- چه کسی این محتوا را تولید کرده است؟
- هدفش چه بوده است؟
- سوگیری شناختی‌اش چه می‌تواند باشد؟

راه‌حل دوم، توجه و تحلیل نوع محتوا، لحن، تصاویر، رنگ، موسیقی، تکنیک و قلاب‌هایی که برای نگهداشت مخاطب استفاده شده، است. زمانی که این تکنیک‌ها را بشناسیم و بدانیم چگونه احساسات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تصمیم‌گیری منطقی‌تری خواهیم داشت.

راه‌حل سوم، چک‌کردن چند منبع یا دید متفاوت در مورد یک موضوع مشخص است. به این شیوه، به دید جامع‌تر و بدون سوگیری مشخصی می‌رسیم.

راه‌حل چهارم، آموختن درباره تکنیک‌های رسانه‌های برای جذاب نشان‌دادن یک موضوع است. مثل تکنیک تیترونیسی برای جلب توجه، بزرگ‌نمایی، ایجاد دوگانگی در انتشار محتوا و…

راه‌حل پنجم، تکرار مستمر است. تفکر انتقادی باید در بستر ذهن ما قوی و قوی‌تر شود؛ زیرا برخورد ما با رسانه به شیوه مستمر اتفاق می‌افتد. پرسیدن و شنیدن دیدگاه سایرین در تقویت این مهارت بسیار کمک‌کننده است. در نهایت، به یاد داشته باشیم که رسانه‌ها هم‌زمان قدرت ساختن و متأسفانه تخریب‌کردن دارند. مسئولیت خویش را پذیرفته و با تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای، حافظ خود و دیگران باشیم و این‌گونه به سهم خود، بر چالش‌های اطلاعاتی عصر دیجیتال فائق آییم.



کارگران در حال کار در یک کارخانه تولیدی

گزارش «شرق» از وضعیت خانواده‌های کشته‌شدگان و آسیب دیدگان معدنجوی طبس بعد از چهار ماه

رد حقی پایمال شده

گزارش «شرق» از وضعیت خانواده‌های کشته‌شدگان و آسیب دیدگان معدنجوی طبس بعد از چهار ماه



نسترن فرخه

می‌خواهم همسرم را به بهزیستی ببرم، چون دیگر نمی‌توانم

تلفن را برمی‌دارد. از آن طرف خط نفس‌زنان سلام من را علیک می‌گوید، او حالا زنی سی‌وچندساله است که حادثه معدنچوس طبس زندگی‌اش را ویران کرده است. همسری که تکیه‌گاه خانه بوده و حالا با فراموشی کامل و مشکلات متعدد جسمانی، زندگی نباتی دارد و رنج این روزهای اعضای خانه شده است. «مهدی علی‌زاده» یکی از کارگران ۴۰ساله‌ای بود که بعد از ماجرای معدن طبس، دیگر نه حرف می‌زند، نه چیزی به خاطر دارد و نه حتی توان انجام شخصی‌ترین کارهایش را دارد. حالا مادر خانه مانده و فرزندان قدونیم‌قدی که تجربه پدر داشتشان چندان طولانی نشده است. همسر مهدی علی‌زاده از این روزهایش می‌گوید. از فرط ناتوانی در برابر رسیدگی به همسرش و حمایت‌های دولتی و مسئولان معدن که جای خالی‌اش هر روز در این خانه حس می‌شود: «خیلی سخت است خانم جان. همسرم دیگر ما را نمی‌شناسد، باید او را پوشک کنیم و شب‌ها تا صبح آن‌قدر تکان می‌خورد که تخت را شکسته است. همسر من جوان ۴۰ساله بود که این‌طور شد. الان برای ما ماهی ۱۰ میلیون واریزی می‌کنند که نصف حقوقی است که همسرم به خانه می‌آورد. هزینه درمان هم با خودمان است و از بیمه تا الان پولی برای ما واریز نشده. در کنارش، هزینه پوشکی که هر هفته می‌گیریم خیلی زیاد است. ما از معدن برای این بلایی که سرمان آمد شکایت کردیم ولی نمی‌دانم چرا هنوز کسی رسیدگی نکرده است. ما وکیل هم نداریم، چون دادستان گفتند دیگر وکیل لازم نیست و این موضوعی است که قانون خودش پیگیری می‌کند. خیلی سخت می‌گذرد خانم‌جان. دکترها می‌گویند سلول‌های مغز همسرم از کار افتاده و معلوم هم نیست که خوب شود. خیلی سخت است. همه کارهای همسرم را تنهایی انجام می‌دهم. مثلا وقتی همین الان پوشکش را که عوض کردم دق‌مرگ شدم آن‌قدر که گریه کردم. با بهزیستی محل زندگی خودمان در خراسان رضوی تماس گرفتم و چند بار حضوری رفتم تا مدتی همسرم را آنجا نگهداری کنند؛ چون تنهایی واقعا نمی‌توانم. ولی بعد از چهار ماه هنوز خبری نشده. هر بار هم که پیگیری کردم، گفتند به شما خبر می‌دهیم، دست‌تنها مانده‌ام و هیچ حمایتی هم از ما نشد. همان اول ۵۰ میلیون واریز کردند و تمام. معاون زنان به خانه ما آمد و قول خانه و رسیدگی داد، اما بعد از آن تمام شد و خبری نشد. سه تا بچه دارم که دختر و پسرم ششم و هفتم هستند

و الان پسر بزرگم باید کار کند که چند جا رفت از او کارت پایان خدمت خواستند، ولی چون ۱۷ سال دارد توانست کار پیدا کند. الان ما فقط هفته‌ای دو تا ۴۸۰ هزار تومان پوشک می‌خریم. این به غیر از دارو و خوراک مخصوص همسرم است. از مسئولان معدن آمدند خانه ما، می‌گویند به ایشان رسیدگی کنید و ماهیچه بدهید. این چیزها باید باشد که ما به همسرم بدهیم! وقتی نیست از کجا بیآورم؟ من چندین بار حضوری رفتم بهزیستی و گفتم به خدا در توانم نیست تا از همسرم مراقبت کنم و آنها هر دفعه گفتند با شما تماس می‌گیریم. همسرم حقتش نیست به بهزیستی برود، یک عمر برای ما زحمت کشید و در جوانی این بلا به سرش آمد، ولی واقعا کم آورد، نمی‌دانم دیگر چکار کنم. زندگی برای ما سخت شد، این حق همسرم نبود. حال بچه‌ها خوب نیست، مخصوصا دخترم. خیلی سخت است خانم‌جان». دوست دارد باز هم حرف بزند، بین هر سکوتش، تقلا می‌کند تا رنج این روزهایش را به تصویر بکشد ولی باید تلفن را قطع کند و ادامه کارهای خانه را از سر بگیرد.

شکایت‌های بی‌پاسخ از مسئولان معدنجوی طبس

پسر «رمضان‌علی دهقان‌نژاد» لحظه به لحظه آن روز را با جزئیات در خاطر دارد. لحظه‌ای که پرستار آب پاک‌ی را روی دستش ریخته که بابا ماندنی نیست. رنج آن روزها، ششون‌های مادر در بیمارستان و حالا که چند ماهی است خانه بدون پدر و شکایت‌هایشان از مسئولان معدن که بی‌جواب مانده. خودش پشت هم آن روزها را مرور می‌کند و می‌گوید: «من در تهران درس می‌خوانم، روزی که این خبر را شنیدم همه چیز را کنار گذاشتم و راهی طبس شدم. وقتی رسیدم بابا با پایین‌ترین سطح هوشیاری در کما بود. مادرم و عمه‌هایم شرایط روحی خوبی نداشتند. پرستار به من گفت که پدر دچار مرگ مغزی شده‌اند و امید به برگشت ایشان نیست. بااین‌حال بابا را در بیمارستان یزد منتقل کردیم ولی همان روز بابا تمام کرد. فردای آن روز به سردخانه رفتم و کارهای اداری را انجام دادم. همان روز در کلاترزی ۱۴ یزد شکایتم از معدن را ثبت کردم. بعد از آنکه به شهر خودمان در خراسان برگشتم، مراسم‌های ختم که تمام شد با مادرم رفتیم و شکایتی هم آنجا مطرح کردیم. اما متأسفانه انکار چند کاغذپاره امضا کردیم. تا الان از هیچ ارگانی پیگیری صورت نگرفته است. ما هنوز وکیل نداریم و می‌دانم خانواده‌های دیگر هم مشابه ما هستند و وکیلی ندارند.



عکس‌ها، متن‌ها، تگ‌ها، شرق

گزارش «شرق» از وضعیت خانواده‌های کشته‌شدگان و آسیب دیدگان معدنجوی طبس بعد از چهار ماه

رد حقی پایمال شده

شکایت هیچ‌کدام از خانواده‌های بازمانده یا آسیب‌دیده معدنجوی طبس تا الان به جایی نرسیده است. حتی با اتمام موج رسانه‌ای از ماجرای معدنجو، مسئول خاصی پیگیر شرایط آنها نشده است. از خانواده‌ای که پدر به عنوان پشتوانه‌شان با فراموشی کامل بر روی تخت، زندگی نباتی دارد تا داغ بی‌پدری که بر دل کودکان قدونیم‌قد این خانواده‌ها مانده است. طبق گفت‌وگوی «شرق» با این خانواده‌ها، تا این لحظه و پس از چهار ماه، هیچ‌کدام وکیل مدافع برای پیگیری پرونده‌شان ندارند. این درحالی است که تاکنون هم با وجود پیگیری‌ها، مسئولان معدنجو در برابر این خطای انسانی که منجر به مرگ ۵۳ نفر و مصدومیت تعداد بسیاری کارگر شده، پاسخ‌کو نبودند و برخورد خاص قضائی هم با آنها نشده است. حالا خانواده‌ها که هرکدام در شهری سکونت دارند، منتظر هستند شکایت‌هایشان روزی پیگیری شود.

همان ابتدا ۲۰۰ میلیون به ما دادند که خرج مراسم و هزینه آمبولانس و کفن‌ودفن شد. از برج ۱۰، ماهانه مستمری بابا برای ما پرداخت می‌شود ولی شما تصور کن که پدر خانواده رفته، بچه مدرسه‌ای هم دارد و با ۱۰ میلیون چطور باید زندگی کرد؟ برای همین ۱۰ میلیون که الان واریزی می‌شود هم ما پیگیری کردیم. در کنارش هنوز دیه‌ای به ما پرداخت نشده و اصلا نمی‌دانیم چه زمان پرداخت خواهد شد و چه ارگانی این کار را انجام خواهد داد. بیشتر این پدرهایی که فوت شدند، مثل پدر خودم، بچه‌های کوچک دارند و این دیه‌ها برای آینده آنها خواهد بود. هرچه زودتر این پول را به خانواده‌ها برسانند بهتر است؛ چون با این گرانی فقط از ارزش پولی که قرار است بدهند کم خواهد شد. پدرهای ما که رفتند و تمام شد».

خانواده داغ‌دار و بدون وکیل مدافع

«سلام، بابای من چند ماه پیش مرده است»؛ این اولین دیالوگ پشت خط تلفن او با من است. صدای پسریچه «ناصر آخوندی»، کارگری که در اوج جوانی به دلیل خطای انسانی مسئولان معدنجو، یک خانواده را بی‌پدر کرد. با اعتمادبه‌نفسی شاید در نقش پدرش که حالا دیگر نیست فروری رود و می‌گوید که شما هر سؤالی دارید از من پرسید، من همه چیز را می‌دانم. هرچند بعد از چند دقیقه سؤال‌ها بی‌پاسخ می‌مانند و برای کمک، به من شماره شوهرخاله‌اش را می‌دهد که اطلاعات بیشتری از پرونده دادخواهی پدر دارد. با او هم تماس می‌گیریم، اما ایشان هم اطلاعات چندانی از وضعیت پرونده و ماجرای شکایت از مسئولان معدنجو ندارد. فقط یک چیز را به خوبی می‌داند، اینکه خانواده آخوندی هم مانند دیگر خانواده‌ها هیچ وکیلی برای پیگیری و دادخواهی ندارند.

بعد از اتمام این مکالمه، با خانواده‌ای دیگر تماس می‌گیرم. «کاظم نخعی»، کارگری ۴۰ساله بود که از خود سه فرزند ۱۲، ۱۴ و ۱۲ و سه‌ساله بر جای گذاشت. حالا همسرش مانده و آینده نامعلوم این سه کودک که دیگر پدر نخواهند داشت. عموی این خانواده از شکایتی که همان زمان از مسئولان معدن کردند می‌گوید که تا الان بی‌پاسخ مانده است: «به ما گفتند این مسائل چون کار اداری دارد طول خواهد کشید. تا الان دیه هم به خانواده پرداخت نکردند. ما تا الان وکیلی هم نگرفتیم و منتظریم تا خودشان درمورد پرونده به ما اطلاع بدهند».

گزارش خبری

آفتلوانزا با ۳۰ درصد در صدر عفونت‌های تنفسی در کشور

به گزارش وزارت بهداشت، سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با اشاره به آخرین وضعیت عفونت‌های تنفسی در کشور گفت: درحال‌حاضر آفتلوانزا حدود ۳۰ درصد، RSV حدود ۹ درصد، راینو ویروس یا عامل سرماخوردگی حدود هفت درصد و کرونا حدود دو درصد از عفونت‌های تنفسی در گردش در کشور هستند. دکتر قباد مرادی با بیان اینکه پاییز و زمستان در نیمکره شمالی معمولا برای انتشار، تکثیر و انتقال عفونت‌های تنفسی، فصول مناسبی هستند، اظهار کرد: در کشور ما تنفسی در این فصول فعال‌تر می‌شود و از دو ماه پیش تلاش کردیم گزارشی از عفونت‌های تنفسی در گردش را رصد و توصیه‌های لازم را به مردم اعلام کنیم. او درباره نظام رصد عفونت‌های تنفسی در کشور گفت: نظام رصد این عفونت‌ها در کشورمان به دو شکل انجام می‌شود که در حالت اول، اگر فردی در بیمارستان‌ها بستری شود و به آفتلوانزا یا عفونت‌های تنفسی مشکوک باشد، آزمایش‌های لازم برای این فرد در همان بیمارستان ودر برخی موارد در آزمایشگاه مرجع بررسی می‌شود. همچنین در حالت دوم، سعی داریم هر هفته تعدادی از نمونه‌های بیماران تنفسی را از نظر ۲۱ عامل عفونت‌های تنفسی بررسی کنیم. سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت به انتشار اخباری درباره شیوع ویروس متاپنومو در کشور چین، گفت: این ویروس جزء ۲۱ عامل عفونت‌های تنفسی است که هم‌ساله در کشور بررسی می‌شود و در برخی ماه‌های سال، از جمله تا اردیبهشت ۱۴۰۳ مواردی از این ویروس داشته‌ایم که حداکثر حدود دو درصد از ویروس‌های در گردش در کشور می‌رسد، اما پس از آن حداقل در سامانه‌های رصد ما دیده نشده است. مرادی با بیان اینکه اخیرا در کشور چین که متاپنوموویروس شایع شده، قابل انتظار بوده است، گفت: در برخی کشورها آفتلوانزا، عامل سرماخوردگی، RSV یا متاپنوموویروس، ویروس غالب هستند که انتشار پیدا می‌کنند که طبیعی است و در کشور ما هم بیشترین ویروس در گردش، آفتلوانزاست. بعد از انتشار اخباری درباره اینکه متاپنوموویروس در شمال چین منتشر و باعث ابتلای تعدادی از مردم شده، تاکنون سازمان جهانی بهداشت اطلاعاتی در این خصوص نداشته است. سازوکار در این‌گونه موارد مانند کوید۱۹ این است که اگر کشوری، عامل عفونی را رصد و گزارش کند که رفتار غیرطبیعی داشته باشد، به سازمان جهانی بهداشت گزارش می‌دهد که مورد بررسی‌های تخصصی این سازمان قرار می‌گیرد و در صورتی که تغییر و جهش داشته باشد، شرایط خاص به کشورهای اعلام می‌شود که تاکنون سازمان جهانی بهداشت چنین شرایطی را اعلام نکرده است.

جدول ۴۹۶۳ طراح: بیژن گورانی

۶	۳	۲			
		۹	۵	۹	
۷				۲	
			۴	۱	
			۲	۵	۸
			۳	۷	۸
۶	۷	۱		۵	۳
				۹	

سودوکو سخت ۳۹۵۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۳۹۵۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۹۵۸

۷	۳	۱	۸	۴	۹	۲	۵
۹	۴	۵	۷	۳	۶	۸	۱
۲	۶	۹	۱	۵	۳	۴	۸
۱	۷	۳	۶	۵	۸	۲	۴
۳	۲	۶	۱	۹	۳	۵	۷
۵	۸	۹	۲	۷	۱	۶	۳
۳	۱	۴	۵	۷	۸	۱	۶
۸	۹	۷	۴	۶	۱	۳	۵
۶	۵	۲	۳	۸	۹	۱	۷

۷	۹	۱	۳	۵	۶	۸	۲	۴
۵	۴	۸	۱	۳	۹	۱	۳	۹
۶	۳	۲	۴	۹	۸	۵	۱	۷
۱	۶	۳	۹	۴	۵	۲	۷	۸
۸	۵	۹	۱	۷	۲	۶	۳	۴
۲	۷	۴	۸	۶	۳	۹	۵	۱
۴	۱	۶	۵	۳	۹	۲	۸	۷
۹	۲	۷	۶	۸	۱	۳	۵	۴
۳	۸	۵	۲	۱	۷	۴	۶	۹

حل جدول ۴۹۶۲

۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶				